

# بررسی آثار و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حضور مهاجرین افغان در شهر زابل

دکتر خدارحم بزّی

استادیار گروه جغرافیا - دانشگاه زابل  
E-mail: kh.bazi@yahoo.com

## چکیده

حضور حداقل ۱۰ هزار نفر از مهاجرین افغان (سال ۱۳۸۲) به مدت بیش از یک ربع قرن در شهر زابل، ما را بر آن داشت تا با توجه به اهمیت موضوع (بعد زمانی، جمعیتی و آثار و تبعات فعلی و آتی) به تحقیق آن پرداخته تا از این راه، بسیاری از مسایل و مشکلات مبتلا به شهر زابل را که ناشی از این پدیده‌ی سیاسی اجتماعی بوده، مورد شناسایی قرار داده و جهت حل آن‌ها راهکارهای لازم ارایه گردد. این تحقیق عمدتاً به صورت مطالعات میدانی و برگرفته از شیوه‌های رایج در جغرافیا انجام شده است.

**واژگان کلیدی:** مهاجرین افغان، آثار فرهنگی، آثار اقتصادی اجتماعی شهر زابل.

## ۱. مقدمه

اگرچه قبل از پیمان‌نامه پاریس در سال ۱۸۵۷ و استقلال افغانستان از ایران (پاپلی، ۱۱۷: ۳۷۵) زابل جزیبی از سرزمین بزرگ سیستان به حساب می‌آمد اما از آن زمان تاکنون، سرنوشت جداگانه‌ای در پیش داشته و همواره به دلیل میراث شوم به‌جامانده از استعمار انگلیس، درگیر مسایل مرزی، چه در زمینه تعیین حدود مرز مشترک و چه تعیین حق آبه لازم از رود هیرمند بوده است، تا حال حاضر که تعداد بی‌شماری از افغانیان را طی چندین سال پذیرا بوده و این خود مشکلی را بر مشکلات عدیده آن افزوده است. اگر چه در سال‌های گذشته در حدود یک سوم یا ۱۰۰ هزار نفر از سکنه ۳۰۰ هزار نفری شهرستان زابل را افغان‌ها تشکیل می‌داده‌اند اما

در حال حاضر و علی‌رغم تغییرات حادث شده و بهبودی نسبی شرایط سیاسی در این کشور بحران‌زده و برگشت تعدادی از مهاجرین، هنوز هم چیزی در حدود یک دهم یا ده درصد از جمعیت کل منطقه و شهر زابل را مهاجرین افغانی (سال ۱۳۸۲) شامل می‌شوند. بنابراین شاید شهر بحران‌زده زابل نیز چه به لحاظ خشکسالی‌های متعدد و متوالی (۱۳۵۰، ۱۳۶۴، ۱۳۷۸ تاکنون) و سیلاب‌های مخرب (۶۹-۷۰) به هیچ وجه توانایی پذیرش آوارگان افغانی را نداشته اما خواسته یا ناخواسته این امر اتفاق افتاده و لازم است آثار و تبعات آن به جهت کمک به حل معضلات مبتلا به از جمله مشکلات فرهنگی این شهر مورد بررسی قرار گیرند.

در این مقاله نگارنده به تحقیق چگونگی ورود و استقرار مهاجرین افغان، توزیع و پخش آن‌ها در شهر زابل، آثار و تبعات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این رخداد را پرداخته و ضمن نتیجه‌گیری، راهکارهای لازم را پیشنهاد کرده است. شایان ذکر است در راه انجام این تحقیق، کمبود اطلاعات و آمار مهم‌ترین محدودیت به شمار آمده که اغلب سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار از ارایه هر گونه آمار و اطلاعاتی راجع به افغانه به دلایل سیاسی و امنیتی خودداری نموده‌اند. با این حال آنچه در این تحقیق آمده، حاصل مطالعات میدانی، تاریخی، کتابخانه‌ای، تکمیل پرسش‌نامه و غیره بوده است.

## ۲. موقعیت جغرافیایی شهر زابل

ژان باستیه<sup>۱</sup> در ارزیابی موقع جغرافیای شهر، علاوه بر داده‌های طبیعی، اقتصادی، ساختار انسانی و جمعیتی، حتی سرحدات سیاسی، مرزهای زبانی و مذهبی ناحیه را، از نظر دور نمی‌دارد (فرید، ۱۳۶۸: ۵۵).

بعد از جدایی و استقلال افغانستان از ایران، مناطق تاریخی سیستان نیز از ایران جدا شده و امروزه در غرب افغانستان ایالتی به نام «زابلستان» و شهری به نام زابل موجود است که سرزمین واقعی زابلستان تاریخی را در بر می‌گیرد. انتخاب نام زابل (در ایران) تجسم و تداعی‌کننده گذشته تاریخی آن مرز و بوم است، انتخابی به‌جا و حاکی از اراده و آرزوهای تاریخی این مردم که در زنده نگه داشتن و غنای فرهنگی آن بی‌تأثیر نیست (شهر و خانه، ۱۳۶۶، جلد دوم: ۱۱).

شهر کنونی زابل در شرق کشور ایران و در همسایگی با کشور افغانستان واقع شده است که علی‌رغم فاصله تقریباً ۲۰۰۰ کیلومتری آن با مرکز کشور (تهران)، تنها ۴۰ کیلومتر با افغانستان فاصله داشته و «شهرنو» در افغانستان (یکی از مراکز مبادلاتی) بیش از ۴۵ کیلومتر با زابل فاصله ندارد.

شهرستان زابل همانند یک شبه جزیره از سه جهت شرق، جنوب و شمال به افغانستان محدود شده و تنها از جهت غرب به ایران پیوند خورده است. همچنین از طریق بلوچستان ایران و استان نیمروز افغانستان از تأثیر و تأثرات خاک پاکستان نیز در امان نیست.

در گذشته‌های دور که جهت‌یابی تمدن به سوی شرق بود و مرزهای شرقی کشور کانون تحولات سیاسی جهان آن روز به شمار می‌رفت، زابلی‌ها (سیستانی‌ها) نگهبانان اصلی کیان کشور و مرزبانان تمدن ایران زمین بودند. عمده حماسه‌های میهنی حکیم ابوالقاسم فردوسی از زابل سرچشمه گرفته، و قهرمانی‌های این مردم موضوع اصلی چکامه‌های حکیم طوس بوده است.

ولی با تغییرات جوّی، بازرگانی و به تبع آن‌ها سیاسی، به‌ویژه با تغییر کانون‌های تمدن جهان از شرق به غرب، منطقه وسیعی از شرق ایران و غرب پاکستان و افغانستان اهمیت جهانی خود را از دست داده و در حدّ مسایل محلی و بومی متوقف ماندند. به نحوی که امروزه اهمیت انتظامی منطقه سیستان بر اهمیت نظامی آن پیشی گرفته است (شهر و خانه، ۱۳۶۹، جلد ۶: ۲۵).

### ۳. ورود و استقرار مهاجرین افغان در شهر زابل

شاید پس از تهاجم افغانه در زمان محمود افغان در سال ۱۱۳۵ هجری قمری که منجر به سقوط سلسله‌ی صفویه در ایران شد، تهاجم اخیر افغانه به ایران و به‌ویژه شهر زابل در سال ۱۹۷۹ میلادی یکی دیگر از این تهاجمات بوده باشد. اگرچه این تهاجم به صورت مسالمت‌آمیز و در قالب پناهندگی بوده اما زیرساخت‌های نه چندان مستحکم زابل را دچار تزلزل نموده و مشکلات عدیده‌ای را در آن باعث شده است.

همجواری منطقه سیستان با کشور افغانستان و روابط دیرینه قومی و طایفه‌ای موجب گردیده که از گذشته‌های دور تحرکات جمعیتی بین دو کشور جریان داشته باشد. این روابط از اوایل دهه پنجاه و پس از افزایش قیمت نفت در سطح جهانی، عمدتاً جنبه اقتصادی به خود گرفت. بخشی از مهاجرین افغانی برای یافتن کار از طریق مرز سیستان وارد کشور می‌شدند در همین منطقه مشغول به کار می‌شدند. این روند پس از تحولات سیاسی در افغانستان، جنبه‌ی سیاسی به خود گرفت، به گونه‌ای که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از افغانه به صورت سیستم باز (پخش در میان سکنه بومی) در کل منطقه سیستان اسکان یافتند (نمایندگی سازمان ملل متحد در شهر زابل).

بر اساس اطلاعات رسمی اداره ریشه‌کنی مالاریا در سال ۱۳۶۵، در حدود ۷/۳۲ درصد از کل جمعیت شهرستان زابل را افغانه تشکیل می‌داده‌اند (شهر و خانه، ۱۳۶۶، جلد ۲: ۹۵) که

این ارقام در مورد شهر زابل ۵ درصد بوده است. در واقع مهاجرت افغانه به منطقه سیستان که عمدتاً جنبه سیاسی داشت به مرور زمان، جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی به خود گرفته و تأثیرات مشخصی را در ساختار فرهنگی و جمعیتی شهر مذکور بر جای نهاده است (شهر و خانه، ۱۳۶۶، جلد ۲: ۹۵).

جدول ۱: آمار متولدین خارج از کشور (افغانستان) در شهر زابل از ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵

سال	کل جمعیت شهر	تعداد متولدین خارج از کشور	در صد متولدین خارج از کشور به کل جمعیت شهر
۱۳۴۵	۱۸۸۰۶	۲۷*	۱۴٪
۱۳۵۵	۲۹۴۰۴	۸۸	۳۰٪
۱۳۶۵	۷۵۸۸۰	۳۵۴۸	۴/۶۷
۱۳۷۵	۱۰۰۸۸۷	۲۸۹۲	۲/۹۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵  
\* فقط شامل آمار رسمی مهاجرین افغانی است.

طی دو دهه اخیر استان سیستان و بلوچستان و به‌ویژه منطقه سیستان (زابل) به سبب همسایگی با کشور افغانستان با مشکلات گوناگونی روبه‌رو بوده است. تحولات رخ داده در این کشور حادثه خیز در طول چند دهه گذشته بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی استان و منطقه سیستان تأثیرات سویی داشته و ناهنجاری‌های اقتصادی اجتماعی متعددی را نیز به بار آورده است. خیل عظیم آوارگان و پناهندگان افغانی، سکونت آنان در زابل و در برخی موارد ادغام فامیلی و سببی آن‌ها با خانوارهای سیستانی و از همه مهم‌تر مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل غیر رسمی، قاچاق کالا، دست فروشی، دوره‌گردی، فروش اجناس دست دوم خارجی از جمله پیامدهای منفی است که منطقه در دو دهه گذشته با آن مواجه بوده است. بی‌کاری و ورود غیر رسمی کالا از جمله از آن سوی مرز و تبدیل زابل به بارانداز و کانون توزیع کالاهای قاچاق در سراسر کشور، گسترش حاشیه‌نشینی، ناکافی بودن خدمات بهداشتی و آموزشی، ناهمگون گشتن ترکیب اجتماعی جمعیت و... از نمودهای بارز ناهنجاری‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ناشی از تأثیرگذاری رخدادهای افغانستان (مهاجرت افغانه) بر زابل است (آذر نیوشه، ۱۳۴۹: ۱).

باید گفت؛ افغان‌ها، ایرانی و از عناصر جمعیت ایران به‌شمار می‌روند و در سراسر سیستان و

بلوچستان پراکنده‌اند، مهم‌ترین طایفه‌ای که از افغانستان به سیستان مهاجرت کرده است؛ طایفه «بارکزیایی»<sup>۲</sup> می‌باشد. نخستین کسانی که از ایل بارکزیایی افغانستان به سیستان کوچ کرده‌اند، میر باران خان پسر میر عبدالله خان، میر بابکرخان و میر نوراخان بوده‌اند که به سبب بروز اختلافات میان برادران و پسر عموهایشان مجبور به ترک زادگاه خویش شدند و از ناحیه «نوده فرخ» افغانستان به سیستان آمدند. این طایفه به تدریج گسترش یافت و به دو شاخه جنگی و مرادقلی تقسیم شدند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۸۵۶).

ورود افغانه از طریق مرزهای «قرقروک»<sup>۳</sup> در زاهدان و مرز «میلک»<sup>۴</sup> و میل ۴۶ در زابل انجام گرفته است. در ابتدای ورود افغانه اقداماتی برای تمرکز آنها انجام شده و آنها را در اردوگاه‌های بسته مسقر کردند. این اردوگاه‌ها در محمدآباد و ادیمی<sup>۵</sup> شهرستان زابل واقع شده بودند. سعی دولت بر این بوده تا آنها را در سیستم بسته (اردوگاه) قرار دهند اما در این راه موفقیتی حاصل نشده و در نتیجه مهاجرین افغان در سطح منطقه و شهر زابل پراکنده گشتند.

#### ۴. پراکندگی مهاجرین افغان در شهر زابل

مهاجرین افغانی به محض ورود، عمدتاً درحواشی شهر زابل پراکنده شده و فارغ از ساختار فضایی کالبدی شهر زابل به امرار معاش و زندگی پرداختند. از دلایلی که باعث شده تا آنها، حاشیه شهر را انتخاب کنند؛ وجود منازل مسکونی با اجاره بهای کم‌تر از نقاط مرکزی شهر، دور بودن از قوانین و مقررات سخت‌گیرانه حاکم در مرکز شهر، اشباع نقاط مرکزی شهر از جمعیت و... بوده است. با توجه به وجود بیش از ۳۰ محله در شهر زابل و در راستای تحلیل پراکندگی افغانه، به محلاتی برمی‌خوریم که ممکن است حتی یک خانوار افغانی در آنها یافت نشود (محله سازمانی) و برعکس در محلاتی مانند قاسم آباد و معصوم‌آباد در حاشیه‌ی جنوبی شهر تا ۳۰ درصد از جمعیت‌شان را افغانه تشکیل می‌دهند (مطالعات میدانی).

پراکنش افغانه در شهر زابل باعث ایجاد «گتو» یا جدایی‌گزینی به معنای خاص آن نشده است زیرا قرابت‌های فرهنگی، زبانی، مذهبی، نوع پوشش، تاریخ مشترک و غیره باعث همزیستی مسالمت‌آمیزی بین آنها و سکنه بومی شده است. به‌علاوه گتو نتیجه‌ی جدایی‌گزینی اکولوژیکی است که از روی اجبار و در جهت دوری از تجاوزات و مزاحمت‌ها در بخشی از شهر تشکیل می‌شود و جدایی مذهبی، نژادی و فقر را از سایر بخش‌های شهری نشان می‌دهد.

باید گفت؛ جدایی‌گزینی که نمود آن را به‌صورت گتو می‌توان عنوان کرد، به منطقه یا محل‌هایی از شهر گفته می‌شود که در آن اقلیت‌های مذهبی، قومی، زبانی، در نتیجه فشارهای اجتماعی - اقتصادی و قانونی به صورت جدا از سایر گروه‌های شهری زندگی می‌کنند (شکویی، ۱۳۷۲: ۶۳). در حالی که این شرایط در شهر زابل دیده نمی‌شود.

2- Barakzai  
4- Milak

3- Ghorgorok  
5- Adimi

جدول ۲: مقایسه پر اکندگی مهاجرین افغان در محلات مختلف شهر زابل-۱۳۸۲

ردیف	نام محله	جمعیت - نفر	درصد افراد باسواد	درآمد سالانه خانوار - میلیون تومان	تعداد خاوار پرورش دهنده دام در منزل	درصد خانواده‌های بهره‌مند از اتومبیل	تعداد قطعات اراضی باغی	درصد جمعیت افغانی	تعداد ساختمان‌های ۲ طبقه و بیشتر	قیمت یک متر زمین - هزار تومان
۱	آس آتشین	۲۰۰۰	۸۰	۱/۲	۰	۲۵	۱	۰	۱۶	۱۰۰
۲	آس بلیل	۱۷۰۰	۷۵	۰/۸	۰	۳۰	۲۰	۰	۲	۲۴
۳	اسلام آباد	۲۰۰۰	۶۵	۰/۹۶	۲۰	۱۵	۵	۱۰	۲	۴۰
۴	اسلامی	۸۰۰	۶۰	۰/۷	۷	۳۰	۳	۱۵	۰	۲۵
۵	القورآباد	۱۶۷۰	۵۵	۰/۶	۸۴	۲۵	۰	۳۰	۰	۵
۶	بربری‌ها	۱۴۰۰	۸۵	۱/۱	۰	۳۵	۰	۶	۱۴	۵۰
۷	بیرجندی‌ها	۳۵۰۰	۸۵	۱/۵	۰	۴۰	۴	۳	۱۰	۷۰
۸	باغ فلاحت	۱۰۰۰	۸۰	۱	۰	۳۸	۴	۵	۸	۳۰
۹	پاسبان‌ها	۲۷۰۰	۹۰	۱/۲	۰	۳۵	۱	۵	۵	۴۰
۱۰	حسین آباد قدیم	۲۵۰۰	۶۵	۱/۷	۱۲	۳۵	۱۵	۰	۰	۸۵
۱۱	حسین آباد جدید	۱۹۵۰	۷۰	۰/۹	۷۰	۱۰	۵۵	۲۰	۵	۱۰
۱۲	حاجی‌آباد	۲۳۰۰	۸۰	۱/۲	۳	۲۵	۲۰	۱۰	۰	۲۰
۱۳	حسن آباد	۱۵۰۰	۵۵	۰/۶	۵	۱۰	۲۰	۱۵	۲	۸
۱۴	خانه‌های سازمانی	۲۲۰۰	۹۲	۱/۶	۰	۳۰	۰	۰	۵	۲۵
۱۵	خندق	۱۲۰۰	۸۵	۱/۳	۰	۳۰	۳	۶	۶	۵۰
۱۶	چهار باغ	۱۳۰۰	۸۵	۰/۹۶	۰	۳۵	۱	۲۰	۱۱	۳۰
۱۷	ده ورقه	۳۲۰۰	۷۰	۰/۸	۲۰	۲۰	۵	۱۵	۵	۱۵
۱۸	ریگی	۴۵۰۰	۵۰	۰/۹۵	۱۲۰	۳۰	۷۰	۱۲	۲۰	۲۰
۱۹	پادگان	۳۵۰۰	۹۰	۱	۰	۳۵	۰	۸	۶	۷۰
۲۰	سازمان	۲۵۰۰	۸۵	۲	۰	۴۰	۱	۰	۷	۵۵
۲۱	شهریاری	۱۲۰۰	۶۰	۰/۸	۲	۲۰	۴	۸	۳	۵۰

ادامه جدول ۲

۸۰	۵	۲	۱۰	۳۰	۰	۱	۷۰	۲۲۰۰	شیب خندق	۲۲
۷	۰	۲۰	۱۰	۱۰	۲۵	۰/۷	۶۰	۱۲۰۰	طباطبایی	۲۳
۲۵	۰	۵	۴	۴۰	۰	۱/۴	۸۰	۳۰۰۰	کاظمی‌ها	۲۴
۵۰	۰	۵	۰	۴۰	۴	۱/۴	۸۰	۲۵۰۰	کاوه‌ها	۲۵
۱۰۰	۱۱	۴	۵	۳۵	۵	۱/۵	۹۰	۲۳۰۰	کمالی	۲۶
۷۰	۱۲	۳	۱	۳۵	۰	۱/۳	۷۵	۲۲۰۰	ارگ	۲۷
۱۲	۹	۲۰	۱۱	۷	۲۵	۰/۸	۶۵	۳۰۰۰	گاراژها	۲۸
۱۵۰	۱۰	۰	۸	۵۰	۰	۲/۵	۹۰	۱۵۰۰	بازار	۲۹
۲۰	۷	۳۰	۰	۳۰	۵	۱	۶۵	۲۰۰۰	معصوم آباد	۳۰
۴۵	۱۵	۱۲	۳۵	۳۵	۵۰	۱/۴	۸۰	۳۰۰۰	عشرت آباد	۳۱
۷	۰	۱۵	۰	۷	۴۰	۰/۷	۷۰	۹۰۰	علی افشار	۳۲
۳۵	۵	۳۰	۵	۲۰	۳	۰/۹	۵۵	۲۸۰۰	قاسم آباد	۳۳
۴۰	۱۰	۳	۱۰	۳۰	۱	۱/۵	۹۰	۲۵۰۰	نخعی	۳۴
۴۰	۱۳	۱۰	۰	۳۰	۱۰	۱/۵	۸۰	۲۵۰۰	هاشم آباد	۳۵
$\bar{X}=44$	$\Sigma=222$	$\bar{X}=9/97$	$\Sigma=267$	$\bar{X}=28/6$	$\Sigma=511$	$X=1/14$	$\bar{X}=1/14$	$76220$	جمع یا میانگین	

ماخذ: نتایج مطالعات میدانی \*کل جمعیت شهر زابل ۱۰۰۸۸۷ نفر بوده که مابقی در سایر نقاط ساکن بوده‌اند.

### ۵. آثار فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی حضور مهاجرین افغان در شهر زابل

حضور بیش از ۱۵۰۰ خانوار با جمعیت ۱۰ هزار نفر از مهاجرین افغانی در شهر زابل<sup>۶</sup> که از نظر فرهنگی و اجتماعی توسعه نیافته تلقی می‌شوند، در ترکیب بافت جمعیتی منطقه تغییراتی را باعث شده و بر بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی؛ مثل دزدی، سرقت مسلحانه، گسترش فساد، قاچاق مواد مخدر و غیره دامن زده است، و از سویی نیز بسیاری از نارسایی‌های فرهنگی و آموزشی آنان در مواجهه با مردم و اجتماع شهر زابل، اثرات درازمدتی بر کارکردهای فرهنگی منطقه خواهد داشت. هم‌چنان که بسیاری از امراض و بیماری‌های واگیردار (آنفلوانزای افغانی، تب کریمه و...) از آنان به مردم منطقه منتقل شده است. البته در عوض وجود بسیاری از آن‌ها در کارکردهای اقتصادی (رسمی یا غیر رسمی) منطقه مؤثر بوده و با به‌کارگیری سرمایه و نیروی کار آنان در منطقه، تا حدودی شاهد رونق بازار از یکسو و ساخت و ساز از سوی دیگر بوده‌ایم (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۰۹).

برخی از عمده‌ترین آثار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حضور مهاجران افغانی در شهر زابل را می‌توان به قرار زیر تحلیل کرد:

۶- در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تاکنون تعداد آن‌ها کم‌تر شده است.

**گسترش قاچاق کالا و مواد مخدر:** با توجه به شواهد و مدارک موجود در شهر زابل، کمبود همیشگی کالاهای اساسی (نفت، گاز، کود و...) و قیمت گزاف آن‌ها (۲ تا ۳ برابر قیمت معمول) می‌توان گفت که حدود ۵۰ درصد از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم زابل به خارج از کشور قاچاق می‌گردد.

به فعالیت‌های غیرقانونی که جزء تولید کشور محاسبه نمی‌شوند قاچاق کالا گفته می‌شود زیرا از یک سو از این فعالیت‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست و از سوی دیگر محاسبه آن‌ها نوعی مشروعیت دادن به آن‌ها تلقی می‌شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱: ۴۵).

مرزهای بین‌المللی صرفاً از دیدگاه سیاسی اعتبار دارند. هیچ مرز سیاسی در دنیا یافت نمی‌شود که مبادلات و روابط اقتصادی را کاملاً متوقف سازد. به تعبیر اقتصاددانان کلاسیک، اقتصاد، مرزهای سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسد (شهر و خانه، ۱۳۶۹: ۴).

باید گفت؛ اقتصاد منطقه زابل را عوامل مشروحه زیر به شدت آسیب‌پذیر ساخته و زمینه‌ی رشد تجارت و قاچاق مواد مخدر را در بین مهاجرین افغانی (آشنا به دو سوی مرز) و شهروندان زابلی (به دلیل فقر) فراهم آورده است:

- شرایط خشن طبیعی؛ وزش بادهای سهمگین ۱۲۰ روزه همراه با طوفان‌های شدید گرد و خاک، بارش ناچیز (۵۰ میلی متر در سال) تبخیر فوق‌العاده زیاد (۵ متر در سال) و...
- وجود مشکلات زیاد در عرصه فعالیت‌های کشاورزی؛ خشکسالی‌های متعدد و متوالی، حاصل‌خیزی ناچیز خاک، شیوه آبیاری سنتی و غرقابی و...
- عدم وجود معادن قابل ملاحظه و قابل بهره‌برداری.
- ضعف فوق‌العاده شدید فعالیت‌های صنعتی و کارگاهی؛ به دلیل نبود سرمایه و تخصص کافی.
- دور افتادگی زابل از شهرها و قطب‌های اقتصادی بزرگ کشور.
- ضعف شبکه راه‌های مواصلاتی اصلی.
- عدم امکان تجارت سالم درون مرزی و برون مرزی؛ به دلیل قوانین و مقررات دست و پا گیر و متعارض.

- عدم کفایت سطح سواد و آموزش.

- سطح پایین آگاهی‌های عمومی.

- مجاورت با مثلث مرگ (مواد مخدر) در شمال پاکستان و جنوب افغانستان (کلیفورد باسورث، ۱۳۷۷: ۲۷).

عمده‌ترین اشکال قاچاق کالا که در حال حاضر در شهر زابل دیده می‌شوند عبارتند از:

الف) قاچاق کالا از ایران به افغانستان، شامل:

- مواد سوختی؛ بنزین در حدود ۱۴ میلیون لیتر در روز (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۶)، گازوییل (مشابه



- بنزین)، نفت سفید، سیلندر گاز (مطالعات میدانی).
- مصالح ساختمانی؛ سیمان و گچ.
  - نهاده‌های کشاورزی؛ کود (در حدود ۱۰ هزار تن در سال) (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵۹).
  - آرد
  - ب) قاچاق (ورود غیر مجاز) کالا از افغانستان به ایران، شامل:
    - لوازم صوتی و تصویری؛ انواع CDهای غیرمجاز، دوربین عکاسی و فیلمبرداری مستعمل، رادیو ضبط نو و مستعمل، گوشی تلفن نو و مستعمل.
    - اسلحه و مواد مخدر
    - لوازم خانگی؛ پارچه، چای، کریستال غیره
    - البسه مستعمل
    - مواد غذایی؛ برنج، عدس و ...
    - دام زنده (گاو و گوسفند)
- در مجموع می‌توان گفت آنچه از کشور خارج می‌گردد، جزو نهاده‌های کشاورزی و صنعتی بوده و در جهت حرکت چرخه‌ی اقتصادی کشور افغانستان (حتی تولید مواد مخدر) به کار می‌رود اما آنچه وارد کشور می‌شود معمولاً مستعمل بوده و همراه با تهاجم فرهنگی، امراض مختلف و غیره می‌باشند.
- **گسترش بی‌سوادی:** بر اساس نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده در بین مهاجرین افغان در سطح شهر زابل، بالغ بر ۹۰ درصد از آنها بی‌سواد می‌باشند که این رقم در بین زنان بیش از ۹۵ درصد می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت بندرت افغانی باسواد در شهر زابل دیده می‌شود. در حالی که نتایج حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ رقم بی‌سواد را ۲۳ درصد و باسواد را ۷۷ درصد اعلام می‌دارد که خاص سکنه ایرانی این شهر می‌باشد. بنابر این حضور خیل عظیم افغانه بی‌سواد بر توده‌های بی‌سواد شهر زابل دوچندان افزوده است.
- آنچه باعث بی‌سوادی فراگیر در بین افغانه در شهر زابل شده عبارتند از:
- ضرورت اشتغال به کار تمامی افراد خانواده از جمله کودکان و نوجوانان جهت کسب درآمد لازم.
  - تحصیل مهاجرین افغان منوط به داشتن کارت سبز (مجوز اقامت) می‌باشد که در ازای آن باید مبلغ ۱۰ هزار تومان برای هر نفر بپردازند که بسیاری از افراد از دریافت این کارت خودداری می‌کنند زیرا، اولاً امکان پرداخت این وجه را نداشته و ثانیاً معتقدند دریافت کارت سبز باعث شناسایی آن‌ها شده و زمینه را برای اخراج آن‌ها آماده می‌سازد.

- عدم سکونت ثابت خانواده‌ها در یک مکان.
- فقر خانواده‌ها و عدم توانایی آن‌ها در تأمین امکانات تحصیل کودکان و نوجوانان.
- تعصبات خشک خانواده‌ها در زمینه تحصیل دختران و ازدواج زودرس آنان.
- استقبال خانواده‌ها از شرکت فرزندان‌شان در مدارس دینی غیر رسمی که در مساجد توسط روحانیون برگزار شده و قرآن و تعلیمات دینی در آن‌ها تدریس می‌گردد. بر این اساس ۸۵ درصد از محصلین افغانی در این مدارس تحصیل می‌کنند. از طرف دیگر خانواده‌ها معتقدند تحصیل در مدارس جدید، نطفه‌های نارضایتی و عصیان در مقابل پدر و مادر و نیز شرایط سخت زندگی را در ذهن کودکان افغانی می‌پروراند.
- بروز فرایند تغییر هویت مهاجرین: از آن جایی که بر اساس نتایج حاصل از مطالعات میدانی و پرسش‌نامه‌های تکمیل شده تقریباً هیچ تمایلی در میان مهاجرین افغان برای بازگشت به کشورشان دیده نمی‌شود مگر در صورتی که عمران و آبادانی و ثبات به کشورشان بازگردد. بنابراین اکثریت مهاجران سعی در ماندگاری در ایران داشته و در این راه از هیچ امری فروگذار نمی‌کنند، از جمله اقدامات عمده انجام شده توسط آن‌ها در راه رسیدن به این منظور عبارتند از:
  - خرید غیرقانونی شناسنامه‌ی افراد ایرانی به مبلغ ۴ تا ۵ میلیون ریال که باعث ایجاد پدیده قاچاق شناسنامه شده و به دنبال آن مهاجرین افغان دارای حقوق شهروندی ایرانی می‌گردند. گفتنی است این شناسنامه‌ها بیشتر شامل شناسنامه‌های افراد متوفی، شناسنامه‌های مفقودی، المثنی و غیره می‌باشد، که هر ماه بالغ بر ۱۲ مورد از این چنین شناسنامه‌هایی جهت تعیین هویت و پیگیری به نیروی انتظامی گزارش می‌گردد (اداره‌ی اماکن نیروی انتظامی شهرستان زابل).
  - ازدواج با افراد ایرانی به‌ویژه زنان ایرانی.
  - تکلم با زبان زابلی و بلوچی و استفاده از لباس سنتی مردم زابل.
  - خرید املاک و مستغلات.
- گسترش روز افزون فقر اقتصادی: نداشتن جایگاه شغلی قانونی، نبود شغل کافی و ضعف فعالیت‌های اقتصادی رسمی باعث شده تا مهاجران افغان جهت امرار معاش دست به مشاغل غیرقانونی زده و زمینه را برای بروز ناهنجاری‌های اقتصادی اجتماعی آماده سازند. قاچاق مواد مخدر، دست‌فروشی، دوره‌گردی، خرید و فروش مواد سوختنی، فروش البسه‌ی دسته دوم، فروش سی‌دی‌های غیر مجاز نمونه‌هایی از مشاغل به‌وجود آمده توسط آن‌هاست.
- ناکافی بودن درآمد خانواده‌ها، آن‌ها را مجبور به اسکان در محلات اطراف شهر، خانه‌های مخروبه، تجمع ۲ یا ۳ خانواده در یک واحد مسکونی استیجاری (۳۸ درصد مهاجران)، تبدیل

واحد مسکونی به محل پرورش دام و بارانداز کالاهای قاچاق (۲۶ درصد مهاجران) و... کرده است (پرسش‌نامه‌های تکمیل شده).

از آن جایی که بالغ بر ۴۰ درصد از مهاجران درآمد ماهانه‌ای بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان دارند توانایی تأمین امکانات و تسهیلات لازم زندگی را نداشته (جدول ۳) و باعث ایجاد چشم‌اندازهای شهری نامطلوب شده‌اند که زندگی در آلودگی‌های محقر، نمونه‌ای از این شرایط به حساب می‌آید.

جدول ۳: در صد بهره‌مندی خانوارهای افغانی از امکانات شهری زابل - ۱۳۸۲

ردیف	نوع امکانات	در صد بهره‌مندی مهاجران افغانی
۱	آب و برق	۱۰۰
۲	تلویزیون	۲۲
۳	یخچال	۱۰
۴	اجاق گاز	۱۵
۵	رادیو ضبط	۸
۶	تلفن	۱۵
۷	فاقد امکانات	۲۰

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۲

جمع‌آوری لاستیک و پلاستیک مستعمل و آهن‌پاره، نگهداری دام زنده در شهر، عدم رعایت بهداشت، افزایش تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی که گاه تا ۲۰ نفر در یک واحد می‌رسد، نداشتن امکاناتی از قبیل: حمام، آشپزخانه و دستشویی بهداشتی و... از سایر نمونه‌های عینی گسترش فقر ناشی از حضور مهاجرین افغان در شهر زابل می‌باشند.

سایر آثار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حضور مهاجرین افغان: حضور افغانه که از سطح فرهنگی و بهداشتی بسیار پایینی برخوردار بوده و تردد بیش از حد آن‌ها در شهر زابل، بدون شک می‌تواند تا حدود زیادی بر سطح فرهنگی منطقه آثار سوء گذاشته و ضعف فرهنگی آن را تشدید نماید.

علی‌رغم وابستگی‌های قومی و طایفه‌ای بخش قابل توجهی از مهاجرین با سکنه زابل، عقب ماندگی‌های فرهنگی و مسایل اقتصادی بخش دیگری از مهاجرین، مشکلات عدیده‌ای را

- برای ساکنین شهر به همراه آورده است (دهمده، ۱۳۷۵:۱۰۳) که به نمونه‌هایی از آن در زیر می‌توان اشاره کرد:
- گسترش روحیه سخت کوشی، تلاش، صبر و بردباری در بین اهالی.
  - استقرار نمایندگی کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد جهت کمک به افغانه مهاجر ساکن در شهر زابل.
  - ازدواج زود هنگام دختران و پسران و افزایش جمعیت.
  - ناچیز بودن درصد طلاق در بین افغانه به دلیل؛ وابستگی بیش از حد زنان به مردان یا سرپرستان خانواده و شرط حتمی رضایت خانواده‌ها برای طلاق زن و شوهر از هم.
  - قبضه نمودن بازار غیر رسمی زابل به‌ویژه در زمینه‌ی واردات کالاهای غیر مجاز مانند لوازم صوتی و تصویری نو یا مستعمل، CD های غیرمجاز و...
  - در حدود نیمی از محکومین به زندان به جرم قاچاق کالا و مواد مخدر مربوط به افغانه می‌باشد (مطالعات میدانی).
  - عدم استعمال مواد مخدر توسط خود افغانه.
  - از آنجایی که افغانه از نظر قانونی امکان و اجازه فعالیت ندارند، زمینه‌ساز گسترش بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی در شهر زابل شده‌اند.
  - عدم تکافوی امکانات و خدمات ناچیز شهر زابل جهت سکنه بومی و ۱۵۰۰ خانوار از مهاجرین افغان به‌ویژه در زمینه بهداشت و درمان، آذوقه، سوخت و...
  - شکنندگی ضریب امنیتی منطقه به‌دلیل مرز تقریباً باز ایران و افغانستان، مهاجرین افغان آشنا به هر دو سوی مرز، ورود انواع اسلحه، گسترش فقر، ورود کاروان‌های مواد مخدر و ...

## ۶. رهیافت‌ها

- تقریباً یک دهم جمعیت شهر زابل را مهاجرین افغان تشکیل می‌دهند که عمدتاً از جایگاه شغلی، سطح آگاهی و سواد مناسبی برخوردار نیستند. (بی‌کار و بی‌سواد)
- مجاورت زابل با افغانستان از گذشته‌های دور تاکنون، مشکلاتی را برای شهر زابل باعث شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: عدم دریافت حق آبه تعیین شده از رودخانه هیرمند، ورود مواد مخدر، اسلحه و کالاهای قاچاق از مرز، ورود مهاجرین افغان، تردد غیرقانونی اتباع افغانی و ایرانی از مرز مشترک و...
- شهرستان زابل علاوه بر فاصله بسیار کم، از سه جهت توسط کشور افغانستان احاطه شده و به همین دلیل علاوه بر شرایط داخلی تحت تأثیر شرایط حاکم در این کشور نیز قرار دارد.
- علی‌رغم مشترکات زبانی، مذهبی و تاریخی مهاجرین افغان با سکنه زابل، فقر اقتصادی

- (نداشتن شغل)، فقر فرهنگی (بی‌سوادی) و فقر بهداشتی آن‌ها، مشکلاتی را در منطقه باعث شده است.
- تولید انبوه موادمخدر در افغانستان و ضرورت حمل آن به بازار مصر ف در اروپا، زابل را به‌عنوان گذرگاه عبور کاروان‌های موادمخدر درآورده است و افغانه بی‌کار ساکن در زابل و آشنا با منطقه، این امر را تسهیل کرده‌اند.
  - فقر و بی‌کاری، تعصبات قومی و مذهبی، نداشتن شناسنامه یا مجوز اقامت، سطح پایین آگاهی و غیره باعث گسترش فوق‌العاده زیاد بی‌سوادی در افغانه شده، که خود نیز زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌های دیگر فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی گردیده است.
  - فرایند تغییر هویت مهاجرین از افغانی به ایرانی (با خرید شناسنامه ایرانی) به مرور اصالت‌های فرهنگی و جمعیتی منطقه را دستخوش دگرگونی کرده است.

## ۷. راهبردها

- برخی از راهکارهای پیشنهادی برای حل معضل حضور مهاجرین افغانی در شهر زابل عبارتند از:
- تسریع در امر بازگشت مهاجرین افغانی به کشورشان.
  - کنترل هر چه بیشتر امور سجلی جهت عدم سوء استفاده افغانه از شناسنامه‌های ایرانی.
  - کنترل هر چه دقیق‌تر مرز مشترک ایران و افغانستان و ممانعت از تردد غیر مجاز افراد.
  - تلاش در جهت رونق اقتصادی شهرستان زابل به منظور رهایی مردم از فقر اقتصادی و نپرداختن به قاچاق کالا و مواد مخدر.
  - تلاش دستگاه‌های مربوطه برای برقراری امنیت کامل در منطقه.
  - کوشش و تلاش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در جهت ارتقای سطح معیشت و فرهنگ مهاجران افغان.

## ۸. منابع

- ۱- کوبین، بروس، ۱۳۸۴، درآمدی به مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا.
- ۲- ابراهیم‌زاده، عیسی، ۱۳۷۹، تحلیلی منطقه‌ای از روابط متقابل شهری و روستایی در سیستان. پایان‌نامه دکتری جغرافیا، دانشگاه اصفهان.
- ۳- اداره اماکن عمومی نیروی انتظامی شهرستان زابل.
- ۴- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۳، نگاهی به سیستان و بلوچستان. تهران: ناشر امین خضرای.
- ۵- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۹، سیستان‌نامه، جلد دوم. تهران: نشر مرغ آمین.
- ۶- پاپلی یزدی، محمدحسین و عباس جلالی، ۱۳۷۵، هیرمند رود، هلمند رود. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی.

- ۷- دهمر ده، نظر، ۱۳۷۵، بررسی علل توسعه نیافتگی سیستان. مجله علوم انسانی شماره ۲، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۱، آمارنامه سال ۱۳۷۱.
- ۹- سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۸، تاریخ ایران، جلد دوم، مترجم سید محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
- ۱۰- شکویی، حسین، ۱۳۷۲، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، چاپ دوم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- شهر و خانه، مهندسین مشاور، ۱۳۶۶، طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهر زابل. وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۲- شهر و خانه، مهندسین مشاور، ۱۳۶۹، طرح منطقه‌ای سیستان، قسمت دوم، جلد ۶، دفتر مطالعات طرح جامع سرزمین.
- ۱۳- فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیا و شهرشناسی. انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۱۴- کلیفورد باسورث، ادموند، ۱۳۷۷، تاریخ سیستان، جلد دوم، مترجم حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان زابل.
- ۱۶- مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان زابل.
- ۱۷- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان زابل.
- ۱۸- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان زابل.
- ۱۹- مطالعات میدانی.
- ۲۰- نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده.
- ۲۱- نمایندگی سازمان ملل متحد در زابل.
- ۲۲- وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱، اقتصاد سال سوم دبیرستان.